

۷- دلیل محال بودن وضع خاص و موضوع له عام را شرح دهید. ص ۵۷ س ۱-۲ نمره

جواب: غالب اصولیین از جمله مصنف قائل به استحاله وضع خاص و موضوع له عام هستند؛ زیرا خاص نمی تواند وجه و مرآت برای عام باشد. توضیح مطلب آن است که واضع باید معنای موضوع له را بنفسه و یا به عنوان کلی تصور کند تا موضوع له، مجهول مطلق نبوده و وضع، صحیح باشد؛ حال در این قسم، معنای موضوع له نه بنفسه تصور شده و نه بوجهه. اما بنفسه تصور نشده زیرا واضع هنگام وضع، جزئی را بنفسه تصور کرده نه معنای کلی را؛ اما بوجهه هم تصور نشده به جهت این که جزئی بما هو جزئی هیچگاه نمی تواند نشانگر کلی و حکایت کننده کلی باشد. پس معنای موضوع له مجهول محض است و وقتی مجهول محض بوده و تصور نشده باشد وضع که حکم است غلط خواهد بود.

۸- دلیل جایز نبودن استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا را بیان کنید. ص ۷۸ س ۹-۲ نمره

جواب: استعمال یک لفظ در یک معنا در حقیقت، ایجاد نمودن معناست توسط لفظ [البته نه وجود حقیقی بلکه به وجود جعلی و تنزیلی؛ زیرا وجود لفظ وجود معناست تنزیلاً و وجود واحد نسبت به لفظ داده می شود حقیقه و بالذات ولی نسبت به معنا تنزیلاً و بالعرض] و هرگاه متکلم لفظی را برای معنایی ایجاد می کند در واقع، لفظ را فانی در معنا و مرآت آن معنا قرار می دهد. حال لفظ واحد در آن واحد فقط می تواند مرآت برای یک معنا و فانی در یک معنا بشود و محال است که در همان وقت، عنوان و مرآت و ایجاد کننده معنای دیگر باشد. پس نمیتوان یک لفظ را در دو معنا استعمال کرد.

۹- اگر موضوع له اسامی عبادات، اعم از صحیح و فاسد باشد؛ آنگاه شبهه تصویر جامع موضوع له بین مراتب عبادات را شرح داده و آن را نقد کنید. ص ۸۷ س ۱-۲ نمره

جواب: اشکال: در وضع باید واضع موضوع له را تصور کند؛ در حالی که صلاۀ چه صحیح و چه فاسده دارای مراتب کثیره و مصادیق مختلفه است؛ مثل نماز حاضر و مسافر، قائم و جالس، فاقد یک شرط یا چند شرط و مصادیق دیگر. پس معنا و مصداق صلاۀ، دائم در حال تغییر و تبدل است. اشکال این است که چگونه امکان دارد یک قدر جامع بین تمام مراتب را تصور کرد تا موضوع له لفظ صلاۀ بشود؟

دفع: قبول داریم اجزاء صلاۀ متبادل و جابجا می شود و مراتب و مصادیق دارد ولی هیچکدام مانع از تصور یک قدر جامع نمی شود؛ زیرا در ماهیت مرکباتی که اجزایی دارند [که برخی از آنها وجودشان برای وجود یافتن مرکب، متعین و لازم است و برخی لابشرطند]، تصور قدر جامع ممکن است به این که تمام اجزای صلاۀ را تصور کرده بعد صلاۀ را برای عنوان کلی که در همه مراتب محفوظ است وضع کنیم؛ زیرا هر چند افراد عوض می شوند ولی عنوان کلی و قدر جامع به حال خود باقی است؛ مثل لفظ کلمه که هر چند حروف در کلمات عوض شود از کلمه بودن خارج نمی شوند. [رساندن مفهوم کافی است]

۱۰- آیا مصنف، مشتق را در خصوص «ما تلبس بالمبدأ» حقیقت می داند یا اعم از متلبس و ما انقضی عنه المبدأ؟ یک دلیل ایشان را ذکر کنید. ص ۱۰۲ س ۱۵-۱/۵ نمره

جواب: عقیده مصنف این است که مشتقات حقیقت هستند در خصوص ذاتی که متلبس باشد به مبدأ در حال اسناد و نسبت؛ ولی ذاتی که در گذشته متلبس بوده اما در حال نیست منقضی شده اگر اسناد داده شود مجاز است (۰/۷۵ نمره)

دو دلیل اقامه کرده است: ۱. تبادر یعنی هنگامی که ما این مشتقات را به طور مطلق و مجرد از هر قرینه ای استعمال می کنیم مثلاً می گوئیم زید ضارب، تبادر به لهن این است که زید بالفعل ضارب است نه این که در گذشته ضارب بوده است. ۲. صحت سلب و عدم صحت سلب یعنی ذاتی که در گذشته متصرف به صفتی بوده و الآن متصرف نیست صحیح است مشتق را از این ذات سلب کنیم برخلاف ذاتی که الآن متلبس است که نمی شود سلب کرد. (۰/۷۵ نمره)

[ذکر یک دلیل کافی است]

۱۱- مفهوم مخالف را در قالب مثالی تعریف کنید. ص ۱۵۷ س ۱۲-۱/۵ نمره

جواب: مفهوم مخالف عبارت است از این که حکمی که از مفهوم کلام استفاده می شود با حکمی که در منطق کلام وجود دارد هم سنخ و هم جنس نباشد یعنی در اینجا و سلب متفاوت باشند (۱۱ نمره) مثال آن جانش زید فاکر مه منطق آن این است که وجوب اکرم بر فرض مجیء زید است و مفهوم مخالفش عدم وجوب اکرام بر فرض عدم مجیء زید. (۰/۵ نمره)

۱۲- برای اثبات مفهوم وصف، استدلال شده به اینکه «ان الأصل فی القیود أن تكون إحترازیة». جواب مصنف به این استدلال را بنویسید. ص ۱۷۲-۱ نمره

جواب: [مصنف به دو بیان جواب داده: یکی مفصل و یکی مختصر.]

جواب مفصل این است که: معنای احترازی قیود این است که قید، دایره ی موضوع را ضیق می کند و باعث می شود که افرادی که تحت قید نیستند مشمول شخص حکم نشوند [یعنی این حکم که در این قضیه آمده شامل آن افراد نیست بلکه مربوط به افراد تحت قید است]. ما این مطلب را قبول داریم و احترازی را می پذیریم ولی این ربطی به اثبات مفهوم برای قیود ندارد؛ چون [نهایت دلالت قید این است که بگوید شخص این حکم مال این افراد خاص است؛ ولی اینکه سنخ این حکم از سایر موارد منتفی باشد را نمی رساند. به عبارت دیگر] اثبات حکم برای افرادی اقتضای نفی حکم از سایرین را نداشته و با اثبات حکم برای آنها منافاتی ندارد؛ در حالیکه مفهوم اثبات مفهوم به معنای نفی حکم از سایر افراد است.

جواب مختصر این است که: این مطلب که قیود احترازی هستند موجب نمی شود که این قید [که مال موضوع است و دایره ی آن را ضیق می کند] قید حکم شده و آن را محدود نماید [و مانع اثبات سنخ آن برای سایر افراد گردد].

[هر عبارتی که یکی از دو نحوه جواب را برساند کفایت می کند.]

۱۳- دلالت اقتضاء و دلالت تنبیه را تعریف کنید. ص ۱۸۴ س ۱۰ و ص ۱۸۶ س ۶-۱ نمره

جواب: دلالت اقتضاء: آن است که عرفاً مراد و مقصود متکلم باشد و صدق کلام یا صحت کلام [از نظر شرعی یا عقلی یا بر حسب عادت یا لغت] متوقف بر آن دلالت باشد. (۰/۲۵ نمره)

دلالت تنبیه: عبارت است از دلالتی که عرفاً مقصود و مراد متکلم است اما صحت یا صدق کلام بر آن توقف ندارد [بیکه سنخ کلام به گونه ای است که آورده ی آن لازم از قضی و یا لاقلاً عدم اراده اش را بعید جلوه می دهد]. (۰/۵ نمره)

ساعت برگزاری	نمره	محل برگزاری
--------------	------	-------------

امتحانات عمومی

پایان نهم



شماره نام خانوادگی	شماره برگه	شماره برگه
شماره نام خانوادگی	شماره برگه	شماره برگه

تاریخ ۱۳۹۶/۲/۳۰

عنوان اصول فقه ۱

کتاب دروس فی علم الاصول حلقه اولی

محدوده از ابتدای کتاب تا ابتدای النوع الثانی (اصول عملیه)

نام و نام خانوادگی نام استاد مدرس علمیه پایه : سوم کد علمی

- ۱- «علم الاصول منطق الفقه» این عبارت را توضیح دهید. (۱)
- ۲- تعریفی که اصولیون قدیم از حکم شرعی بیان کرده‌اند این عبارت است: «الخطاب الشرعی المتعلق بأفعال المكلفين». (۲)
(الف) اشکالات این تعریف را بنویسید.
(ب) تعریف شهید صدر از حکم شرعی چیست؟
- ۳- «یستحیل سلب الحجیه عن القطع» معنای این قاعده اصولی را بنویسید. (۱)
- ۴- نظر شهید صدر در مورد منشأ دلالت چیست. توضیح دهید. (۱/۵)
- ۵- «و کل استعمال یحتاج إلى لحاظ طرفیه، أعنی اللفظ و المعنی، یبید أن لحاظ اللفظ آلی و لحاظ المعنی استقلالی». در این عبارت منظور از آلیه و استقلالیه چیست. توضیح دهید. (۱/۵)
- ۶- در چه صورتی معنای مجازی تبدیل به معنای حقیقی می‌شود؟ (۱)
- ۷- هیئت جمله برای چه معنایی وضع شده است؟ چرا؟ (۱/۵)
- ۸- «أن لكل جمله من الجمل ثلاث دلالات» آن‌ها را نام ببرید. (۱/۵)
- ۹- (الف) ملاک و ضابطه در این که جمله‌ای دارای مفهوم باشد چیست؟ (۲)
(ب) از بین اداه زیر کدام دارای مفهوم است.
- اداه شرط - اداه غایت - وصف
- ۱۰- قاعده اصالة الظهور را بنویسید. (۱)
- ۱۱- دو دلیل از ادله حجیت خبر ثقه را بنویسید. (۲)
- ۱۲- در کدام مورد نهی شارع سبب بطلان می‌شود؟ (۱)
(الف) نهی از معامله
(ب) نهی از عبادت
- ۱۳- برای هر حکم شرعی ۲ مرحله وجود دارد. آن دو مرحله را نام ببرید. (۱)
- ۱۴- مقدماتی که وجود واجب بر آنها متوقف است به چند دسته تقسیم می‌شود. همراه با ذکر مثال توضیح دهید. (۲)

۷. مراد از حجیت قطع چیست؟ توضیح دهید. (۲)

۸. چرا تعریف علم اصول به شکل «الخطاب الشرعی المتعلق بأفعال المكلفین» درست نیست، دو دلیل بیان کنید. (۲)

۹. دلیل حجیت اصالة الظهور را بیان کنید؟ (۲)

۱۰. مراد از خبر واحد چیست؟ یک دلیل برای حجیت آن بنویسید. (۲)

۱۱. جمله تامه و ناقصه را تعریف نموده، بیان کنید. فرق بین آنها در چیست؟ (۱)

۱۲. در بحث اطلاق چرا عدم ذکر قید توسط متکلم دلالت بر شمول می کند؟ (۲)

۱۳. چرا نهی در عبادات مستلزم بطلان است و در معاملات چنین استلزامی ندارد؟ (۲)

۱۴. مقدمه وجود و مقدمه وجوب را تعریف نموده و چه فرقی با هم دارند؟ (۲)

۱۵. به نظر شهید صدر (ره) آیا مقدمات وجوب شرعی دارند، دلیل ایشان را بیان کنید. (۲)

امتحانات عمومی سطح ۲

نام و نام خانوادگی	تاریخ
نام پدر	عنوان
نام مدرسه	کتاب
	محدوده

نام استاد	شماره برگزینی	نمره
نماینده سطح اول	نمره عدد	نمره کسری
نماینده سطح دوم	نمره عدد	نمره کسری

نام و نام خانوادگی..... نام پدر..... نام مدرسه..... شهرستان..... نام استاد.....

۱. موضوع علم اصول طبق نظر شهید صدر (ره) کدام گزینه است؟ (۰/۵)

الف. ادله اربعه
ب. ادله اربعه بما هو دلیل

ج. امارات
د. دلیل های مشترکی که در تمام عملیات استنباط وجود دارد

۲. اجتهاد در عرف فقها عبارت است از: (۰/۵)

الف. به معنای تفکر شخصی و فردی است
ب. سعی و کوشش برای استخراج

ج. عمل به ظن
د. استدلال به رای

۳. عبارت زیر با کدام گزینه کامل می شود؟ (۰/۵)

«مدلول ایجابی جمله شرطیه را اصطلاحاً..... و مدلول سلبی جمله شرطیه را..... گویند»

الف. مفهوم - منطوق
ب. منطوق - منطوق
ج. مفهوم - مفهوم
د. منطوق - مفهوم

۴. اجماع و شهرت در چه صورتی حجت هستند؟ (۰/۵)

الف. علم به دلیل شرعی پیدا کنیم
ب. ظن به دلیل شرعی پیدا کنیم

ج. در اجماع علم و در شهرت ظن به دلیل شرعی پیدا کنیم
د. در اجماع ظن و در شهرت علم به دلیل شرعی پیدا کنیم

۵. مفهوم غایت در جمله «صم حتی تغیب الشمس» کدام است؟ (۰/۵)

الف. لا یجب الافطار قبل مغیب الشمس
ب. لا یجب الصوم بعد مغیب الشمس

ج. افطر بعد مغیب الشمس
د. صم قبل مغیب الشمس

۶. ترک فعل معصوم (ع) دلالت بر چه حکمی میکند؟ (۰/۵)

الف. اباحه فعل
ب. کراهت فعل
ج. عدم وجوب فعل
د. عدم استحباب فعل

یا صریحاً

۶. فرق اصل و دلیل محرز در چیست؟ و دلالت تصویری و تصدیقیه کاشف از چیست؟ (۱.۵)

۷. در بحث اطلاق چرا عدم ذکر قید توسط متکلم دلالت بر شمول می کند؟ (۲)

۸. چگونگی اثبات صدور از معصوم بوسیله سیره مشرع را بیان کنید. (۲)

۹. مراد از موضوع حکم و متعلق حکم را در قالب مثال بیان کنید و رابطه بین حکم و موضوعش چه رابطه ای است؟ (۲)

۱۰. فرد لالی که از قرائت در نماز معذور است وجوب ضمنی قرائت از او ساقط میشود در حالیکه وجوب بقیه اجزاء ساقط نمی شود آیا این تفکیک در سقوط وجوبات ضمنی نیست؟ (۲)

۱۱. نظر شهید صدر (ره) در مورد وجوب شرعی مقدمه واجب چیست؟ چرا؟ (۱)

نامت برکازی	نمبر	ملت پانگولې ډوليزه
-------------	------	--------------------

امتحانات عمومی سطح ۲

پاښتون نوم

نېټه ۹۲-۹۳

مهر مدرسه

نمبر ۱۰۰	نمبر ۱۰۰	نمبر ۱۰۰
نمبر ۱۰۰	نمبر ۱۰۰	نمبر ۱۰۰

تاریخ	۹۴/۳/۱۸
عنوان	اصول فقه ۱
کتاب	دروس فی علم الاصول حلقه الاولى آقای ابروایی
محدوده	از ابتدا تا اصول عملیه

نام و نام خانوادگی..... نام پدر..... مدرس علمیه..... شریکان..... نام استاد.....

۱. عبارات زیر را با کلمات مناسب کامل کنید. (۱.۵)

الف. مدلول ایجابی جمله شرطیه را اصطلاحاً..... و مدلول سلبی جمله شرطیه را..... گویند.

ب. اجماع و شهرت در صورتی حجت هستند که.....

۲. دلیل حجیت اصالة الظهور را بیان کنید. (۲)

.....
.....
.....

۳. مراد از خبر واحد چیست؟ یک دلیل برای حجیت آن بنویسید. (۲)

.....
.....
.....

۴. چرا نهی در عبادات مستلزم بطلان است و در معاملات چنین استلزامی ندارد؟ (۲)

.....
.....
.....

۵. مقدمه وجود و مقدمه وجوب را تعریف نموده و فرق آن دو را بنویسید. (۲)

.....
.....
.....

نامت پرکړی	نومره	مکتب ښوونځی، ښار
------------	-------	------------------

نمبر پانام سم ډل	نومره عدد	نومره حرف
نمبر پانام سم ډل	نومره عدد	نومره حرف

امتحانات عمومی سطح ۲

میان نوم

نمسل ۹۵-۱۳۹۴

مهر مدرسه

تاریخ	۱۳۹۴/۲/۶
عنوان	اصول فقه ۱
کتاب	حلقه اولی
محدوده	ابتدای کتاب تا مدلول وضعی

نام و نام خانوادگی نام پدر مدرس علی شریعتان نام استاد

۱. علم فقه و علم اصول را تعریف کرده و موضوع علم اصول را بنویسید. (۲/۵)

۲. دو قسم حکم شرعی را با مثال تعریف نمایید. (۲/۵)

۳. مراد از حجیت قطع چیست؟ آیا سلب حجیت از قطع امکان دارد؟ (۲/۵)

۴. منظور از حجت در علم اصول چیست و برای هر یک از دلیل قطعی و ظنی مثال بزنید. (۲/۵)

۵. دلالت ذاتی لفظ بر معنا را به همراه مثالی تبیین کرده، نقد نمایید. (۲/۵)

۶. لحاظ آلی و استقلال لفظ و معنا را با ذکر مثال توضیح دهید. (۲/۵)

۷. وضع تعینی و تعینی را با مثال بیان کنید. (۲/۵)

۸. فرق بین جملات تامه و ناقصه را بیان فرمایید. (۲/۵)